



پادشاهی خدا به کودکان هم تعلق دارد

(برنامه شاگردسازی کودکان)

درس ۲۲

عَـخَانِ گنج را پنهان کرد: حقیقت گناه

درس ۲۲: عَغان گنج را پنهان کرد: حقیقت گناه

پیشگفتار

همه ما باور داریم که گناه، بسیار بد است. اما چه چیز دیگری درباره گناه می‌دانیم؟ می‌دانیم که وقتی گناه می‌کنیم، خدا از ما خوشحال نخواهد شد. و البته که می‌دانیم اگر می‌خواهیم دوباره در جایگاه درستی با خدا باشیم، باید نزد خدا به گناهانمان اعتراف کنیم. شاید حتی فکر کنیم که درباره چیزهایی که گناه محسوب می‌شوند یا نمی‌شوند، دانش زیادی داریم.

پس چه حقایق دیگری برای آموختن در مورد گناه وجود دارند؟ این یک حقیقت است که گناهان ما، هرگز پنهان نمی‌مانند. بله، شاید فکر کنیم تا زمانی که آنها را نزد خدا اعتراف نکرده‌ایم، او از آنها آگاه نیست، اما این حقیقت ندارد. خدا از همان لحظه نخست که به گناه فکر می‌کنیم، از آن آگاه است. هرچه باشد، او کسی است که قلب‌های ما را می‌کاود و همه چیز را می‌داند.

اما دیگران چطور؟ آیا آنها هم می‌توانند از کارهای نادرست ما آگاه شوند؟ بله، می‌توانند؛ چون گناه، عواقبی دارد و این عواقب بر زندگی ما و دیگران تأثیر می‌گذارند. شاید پیش از ارتکاب گناه، آرامش و آسایش زیادی داشته باشیم، اما بعد، چون می‌دانیم چه کرده‌ایم، زودرنج و تندمزاج می‌شویم. عواقب گناهان ما آشکارتر از آن است که تصور می‌کنیم. دیر یا زود، عواقب گناه به سراغمان خواهند آمد.

عَغان زمانی به این موضوع پی برد که از دستورالعمل‌های یوشع ناطاعتی کرد، یعنی از دستورالعمل‌هایی که از جانب خدا داده شده بودند تا هیچ چیز وقف‌شده‌ای از شهر اریحا برداشته نشود. می‌بینید، درست بعد از اینکه بعضی از این چیزها را برداشته و در چادرش پنهان کرده بود، قوم اسرائیل دیگر در مبارزاتشان پیروز نمی‌شدند. به خاطر گناه عَغان، برکت خدا از بین آنها رفته بود.



بنابراین، ما باید تصمیم بگیریم که آیا می‌خواهیم مانند عخان گناهانمان را پنهان کنیم و اجازه بدهیم بر زندگی اطرافیانمان تأثیر منفی بگذارند؟ قطعاً این‌طور نیست. در عوض، بیایید تصمیم بگیریم کاری را انجام دهیم که عخان بعد از آن انجام داد. بیایید تصمیم بگیریم به گناهانمان در نزد خدا اعتراف کنیم و بعد شاهد باشیم که خدا چقدر سریع بازمی‌گردد تا زندگی اطرافیان ما را به شکل فوق‌العاده و زیبایی برکت دهد. بیایید به شکل مثبت بر زندگی اطرافیانمان تأثیر بگذاریم. به همین سادگی!

بیایید به کودکان خود نیز این کار را آموزش دهیم. آنها بعد از یادگرفتن این داستان، قطعاً نسبت به چگونگی تأثیر کارهای‌شان بر دیگران، آگاهی بیشتری خواهند داشت. این تشویقشان خواهد کرد که وقتی در آینده تصمیماتی را می‌گیرند، بیشتر فکر کنند و زمانی که می‌خواهند کارهای درست یا غلط انجام دهند، فقط به خودشان فکر نکنند. در آن زمان، به فکر دیگران نیز خواهند بود. بهتر از همه اینکه، وقتی هر روزه برای انجام کاری که خدا درست می‌داند انتخاب می‌کنند، زندگی پر از برکات بزرگ او را تجربه خواهند کرد. چه کسی می‌خواهد آنها را از چنین چیزی بازدارد؟



نگاهی به کتاب مقدس:

یوشع ۱:۷ - ۵۳:۸

آیه کلیدی:

ارمیا ۱۶:۱۷، «زیرا چشمانم بر تمامی راه‌های ایشان است؛ آنها از نظرم پنهان نیست و نه تقصیر ایشان از چشمانم پوشیده.»




مفهوم کلیدی:

وقتی کار اشتباهی می‌کنیم، خدا از آن آگاه است و زمانی که در گناه هستیم، نمی‌تواند ما را برکت دهد. این بر زندگی و اطرافیانمان تأثیر منفی می‌گذارد. بنابراین، بهتر است به گناهانمان اعتراف کنیم تا بتوانیم در آرامش با دیگران زندگی کنیم و توسط خدا برکت بیابیم.



اهداف درس (دانستن، احساس کردن، انجام دادن)

- ۱- بدانند عخان از دستورات خدا اطاعت نکرد و سعی کرد آن را پنهان کند، اما خدا از گناه عخان آگاه بود و به خاطر آن نتوانست قوم اسرائیل را در جنگ برکت دهد.
- ۲- احساس ناراحتی کنند از اینکه چطور گناه و انجام کارهای نادرست بر دیگران تأثیر منفی می‌گذارد، برای کارهایی که در گذشته کرده‌اند، احساس پشیمانی کنند و در آینده کارهای درست را انجام دهند.
- ۳- کارهای نادرست خود و تأثیر آن بر دیگران، و همچنین کارهای درست خود و تأثیر آن بر دیگران را تشخیص دهند.



وسایل مورد نیاز:

- کتاب مقدس
- کیسه / سبد هدایا
- خوراکی
- سرودهای پرستشی کودکان
- تخته سفید (وایت بُرد) یا کاغذ، ماژیک، چسب، کاغذ سفید
- مکعب داستان عخان و پنهان کردن گنج (الگو و توضیحات در فعالیت‌های مربوط به بخش کتاب است).
- کاسه، آب‌نبات‌های بدون بسته‌بندی (یک آب‌نبات برای هر نفر)، چند آب‌نبات اضافه
- یک لیوان نوشابه مشکی و چند عدد دکمه
- الگوی چادر بر روی کاغذ محکم، وسایل رنگ‌آمیزی، قیچی، کاغذهای دیگری برای چسباندن بر روی آن
- و یک پرچم که روی آن نوشته شده: «من گناهانم را نزد خدا اعتراف خواهم کرد تا همه برکت بیابند.»



خوشامدگویی:

- سرود خوشامدگویی
- خوراکی: خوراکی‌هایی را به بچه‌ها بدهید که نیاز به تمیزکاری بعد از خوردن نداشته باشند.
- مانند آب‌میوه و بیسکویت. زمانی را برای خوردن خوراکی‌ها تعیین کنید: مثلاً ۱۰ دقیقه.
- زمان گفت‌وگو: با بچه‌ها درباره هفته‌ای که داشتند صحبت کنید. از آنها بپرسید چه کارهایی کردند، چه احساسی داشتند و... نشان دهید که به آنها اهمیت می‌دهید.
- در مورد درس هفته گذشته از آنها سؤال کنید.



پرستش و هدیه:

- سرودهایی درباره گناه، گناه عخان، اعتراف، بخشش، آگاهی خدا
- جمع‌آوری هدیه بچه‌ها (به یک سبد یا کیسه برای جمع‌آوری هدایا نیاز دارید. به آنها بگویید که این هدایا را به‌عنوان پرستشی برای خدا جمع‌آوری و از آن برای کمک به دیگران استفاده می‌کنید).



سرانجام گناه

اگر با رفتار ما خداوند نشه خوشحال باید که با اعتراف نشیم اسیر گناه درست مثل مردی که وسوسه طلا شد از دستور خداوند عَغان اطاعت نکرد به خاطر گناهِش همه مجازات شدن دیگه تو هر نبردی فقط شکست می‌خوردن هر چند عَغان یه روزی آخر شدش پشیمون شاید که ما فک کنیم گناه ما می‌تونه کاشکی یادمون باشه که خدا همیشه با ماست یعنی تو کار ما هست حتماً یه جایی اشکال دور بشیم از حُقه شیطون آبزیرکاه با حيله و با نیرنگ صاحب یک ردا شد گوش هم نکرد به یوشع از اون حمایت نکرد برکت خدا رفت یار مکافات شدن از دشمنای توی جنگ دائم رودست می‌خوردن اما واسه گناهِش از بین قوم شد بیرون مخفی بمونه سال‌ها یا که کسی ندونه می‌بینه و می‌دونه هر چیزی تو فکر ماست



دعا برای درس:

درس را با دعا آغاز کنید. خدا را شکر کنید که به ما کمک می‌کند کار درست را انجام دهیم، اما حتی وقتی کاری نادرست می‌کنیم، آن قدر اهمیت می‌دهد که ما را می‌بخشد. از خدا بخواهید به ما کمک کند که کار درست را انجام دهیم تا از ما خوشحال و راضی باشد و دیگران تحت تأثیر کارهای نادرست ما قرار نگیرند.



قلاب (جلب توجه آنها)

بگویید: «امروز من یه کاسه آب‌نبات دارم. آب‌نبات دوست دارین؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) چه خوب. فکر کردم بهتره درس امروزمون رو با این آب‌نبات‌های خوشمزه شروع کنیم. توی این کاسه برای هر کدوم از شما آب‌نبات هست و می‌خوام که هر کدومتون یه آب‌نبات بردارین. (کاسه را دور کلاس بچرخانید. اگر کسی بیش از یکی برداشت، چیزی نگوید، چون این نکته مورد نظر این فعالیت است.)»

اگر بچه‌ها بیش از یک آب‌نبات بردارند، آب‌نبات کافی برای همه نخواهد بود. بنابراین بگویید: «چه عجیب! من به اندازه همتون آب‌نبات توی این کاسه گذاشته بودم، پس چرا به همه نرسید؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) کسی بیشتر از یه دونه برداشت؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) این طور به نظر می‌رسه. حالا بقیه دیگه آب‌نبات ندارن! این باعث می‌شه چه احساسی بکنین؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) حالا باید چی کار کنیم؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) باید بگیم متأسفیم که به فکر بقیه نبودیم و اگه آب‌نباتی برامون باقی مونده، باید اونا رو به دیگران بدیم، درسته؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) کی آب‌نبات اضافه؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.)»

اگر تقسیم کردند، بگویید: «عالیه. ممنون که تقسیم کردی.» و اگر نکردند، بگویید: «خب، من چند تا آب‌نبات دیگه دارم و به کسایی می‌دم که هیچ آب‌نباتی ندارن. (آب‌نبات‌های خود را به آنها بدهید و از آنها بپرسید که این باعث می‌شه چه احساسی بکنی؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.)» اگر بچه‌ها آب‌نبات‌های بیشتری برداشتند، آب‌نبات کافی برای همه خواهد بود. در این صورت بگویید: «وای، همه شما واقعاً عالی آب‌نبات‌ها رو تقسیم کردین. خیلی بهتون افتخار می‌کنم. اگه بیشتر از یه آب‌نبات برمی‌داشتین، به بچه‌هایی که آخر بودن، هیچ آب‌نباتی نمی‌رسید و خیلی ناراحت می‌شدن. حالا می‌تونیم خوشحال باشیم، چون کار خوبی که انجام دادیم و باعث شد که همه از یه آب‌نبات خوب و شیرین لذت ببرن.»

در هر دو صورت این‌طور ادامه بدهید: «این جالب نیست که چقدر کار ما روی دیگران تأثیر می‌ذاره؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) خب، امروز می‌خوایم از داستان یه مرد توی کتاب مقدس یاد بگیریم که این درس رو از راه سختش یاد گرفت. دوست دارین بیشتر بدونین؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) عالیه. بیاین شروع کنیم...»



کتاب (بر اساس درسی از کتاب مقدس)

بگویید: «امروز می‌خواهیم به درس‌مون از کتاب یوشع، توی قسمت عهد قدیم کتاب مقدس ادامه بدیم. کتاب یوشع پر از داستان‌های جالب و درس‌های زیادی هست که می‌تونیم درباره خدا و روش کارش در بین قومی که دوستشون داره، یاد بگیریم. آیا چیزایی رو که تا حالا از کتاب یوشع یاد گرفتین یادتون میاد؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) آفرین! چقدر خوشحالم!»

حالا بگین یادتون میاد توی درس قبلی‌مون قوم اسرائیل کجا بودن؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) بله، توی شهر اریحا بودن. اونجا شهری با دیوارهای بلند و بزرگ بود که هیچ‌کس نمی‌تونست واردش بشه. اما وقتی قوم اسرائیل از راه‌حل خدا پیروی کرد، دیوارهای اریحا ریخت. بعدش قوم اسرائیل چی کار کردن؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) بله، شهر رو برای خودشون گرفتن.

یوشع دستورهای مخصوصی به قوم اسرائیل داد که بدونن با چیزایی که توی شهر پیدا کردن، باید چی کار کنن. کسی می‌دونه این دستورهای خاص چیا بودن؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) بله، اونا باید از راحاب محافظت می‌کردن. اما بیشتر از اینا بود. خدا بهشون گفت چیزایی رو که از نقره، طلا، برنز و آهن ساخته شده بردارن و توی خزانه بگذارن.

می‌دونین خزانه چیه؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) بله، جایی که چیزای مهم خودمون رو اونجا می‌ذاریم. اما توی اون شهر، خزانه جایی بود که چیزایی که به خدا هدیه می‌کردن رو می‌داشتن. پس خدا بهشون گفت که چیزای ارزشمندی رو که توی شهر اریحا پیدا کردن، بردارن و توی خزانه بذارن که به خدا هدیه بشه. خدا به اونا گفت که اگه کسی یکی از این گنج‌ها رو برای خودش برداره، حسابی تو دردسر می‌افته.

فکر می‌کنین مردم چی کار کردن؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) همه گوش کردن به غیراز یه نفر به اسم عَخان. وقتی عَخان اون همه گنج رو دید، پیش خودش فکر کرد که اگه یه کمی‌شو برداره، کسی چیزی نمی‌فهمه. پس یواشکی یه لباس بلند و چند تا تیکه نقره و طلا برداشت و سریع رفت و زیر چادرش چال کرد. حالا دیگه اون پولدار می‌شد و هیچ‌کس هیچ‌وقت نمی‌فهمید که چی کار کرده که پولدار شده. حالا دیگه راحت می‌تونست استراحت کنه. البته فقط این‌طور فکر می‌کرد.





همین طور که قوم اسرائیل برای گرفتن سرزمین کنعان پیش روی می‌کردن، تصمیم گرفتند که وقتشه پادشاه عای رو شکست بدن. بعد از اینکه فهمیدن ارتش عای خیلی کوچیکه، یه بخش کوچیکی از ارتششون رو آماده کردن که برن و با اونا بجنگن. به‌هرحال، خدا با اونا بود. خدا جلوتر از اونا می‌رفت و این پیروزی رو مثل پیروزی قبلی آسون می‌کرد. اما صبر کنین. اون طور که ما فکر می‌کنیم نشد! اونا از قوم عای شکست خوردن! چطور همچین چیزی ممکن بود؟ خدا قول داده بود که باهاشون باشه. چرا خدا کمکشون نکرد که پیروز بشن؟»

یوشع که گیج شده بود، لباس‌هاش رو پاره کرد و با صورت روی زمین افتاد و خدا رو صدا زد. اون گفت: ”خداوندا، تو داری با ما چی کار می‌کنی؟ مگه ما رو ول کردی؟ ما رو از رود اردن و شهر اریحا عبور دادی که حالا ترکمون کنی؟ حتماً پادشاهای دیگه دربارهٔ این موضوع می‌شنون و پیش خودشون فکر می‌کنن که تو یه خدای ضعیف هستی. این چطوری می‌تونه تو رو جلال بده؟”

خدا هم پاسخ داد: ”بلند شو. چرا با صورت روی زمین افتادی؟ به قومت نگاه کن. اونا به من گناه کردن و از دستورهایی که به تو دادم اطاعت نکردن و بعضی از چیزایی رو که به من داده شده و باید تو خزانهٔ من می‌بود، برداشتن. به‌خاطر همین هم تو از دشمن شکست خوردی. وقتی اونا گناه می‌کنن، من نمی‌تونم تو رو برکت بدم. برو اون کسی که این کار رو کرده، پیدا کن و اون چیزایی رو که برداشته از خودتون دور کنین. بعدش من جلوتر از شما حرکت می‌کنم و دوباره شما رو پیروز می‌کنم.”

خدا عجب حرف جالبی زد، مگه نه؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) نمی‌دونم یوشع چه احساسی داشت. حتماً وقتی که فهمید به‌خاطر گناهشون شکست خوردن، خیلی خجالت‌زده شد. حتماً خیلی ناامید شد که یه نفر همچین کاری کرده. یعنی اونا نمی‌دونستن که چه خدای قدرتمندی رو خدمت می‌کنن؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) چطور می‌تونستن فکر کنن که خدا نمی‌فهمه چی کار کردن؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) هر چی باشه، اون خداست!

حالا یوشع می‌دونست که باید کسی رو پیدا کنه که این گناه بزرگ مرتکب شده. فقط در این صورت بود که خدا می‌تونست بهشون کمک کنه تا دشمناشون رو شکست بدن. پس همهٔ قبیله‌ها رو دور هم



جمع کرد، بعد، با راهنمایی خدا سراغ هر قبیله رفت و از هم جداشون کرد، تا اینکه بالاخره فقط عخان موند. بالاخره یوشع، مردی رو که در برابر خدا این گناه بزرگ رو کرده بود، پیدا کرد. پس به عخان گفت: "تو چی کار کردی؟ قبل از اینکه شکست بیشتری سرمون بیاد، بهمون بگو."

فکر می‌کنین عخان چی کار کرد؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) آیا ترسیده بود؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) آیا به اندازه کافی شجاع بود که قبول کنه کار بدی کرده؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) شاید هم می‌ترسیده، مگه نه؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) اگه شما جاش بودین چی کار می‌کردین؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.)

خب، عخان واقعاً به گناهایش اعتراف کرد. اون دید که چطور گناهایش روی همه خانواده‌اش و همه قوم اسرائیل تأثیر گذاشته بود. عخان می‌دونست که تصمیم نادرستش برای برداشتن اون چیزا باعث شد که دیگه وقتی به جنگ با دشمنانشون میرن، پیروز نشن. اون باید بهای کارش رو می‌داد. پس پیش یوشع و همه قوم اسرائیل اعتراف کرد و گفت: "راست می‌گین. من در برابر خداوند، خدای اسرائیل گناه کردم. من یه لباس بلند و چند تیکه طلا و نقره برداشتم و اونا رو زیر چادرم توی زمین چال کردم."

به نظرتون جواب یوشع و قوم اسرائیل نسبت به اعتراف عخان چی بود؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) مأمورها رفتن تا گنج‌هایی رو که عخان گفته بود قایم کرده، پیدا کنن. همون‌طور که عخان گفته بود، گنج‌ها اونجا، زیر زمین چادرش بودن. اعتراف عخان راست بود.

اما می‌دونین اونا دیگه چی کار کردن؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) خب، اونا عخان رو از شهر بیرون کردن و خیلی سخت تنبیهش کردن. خیلی وحشتناکه، مگه نه؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) من خیلی خوشحالم که دیگه این روزا لازم نیست این کار رو بکنیم. بلکه فقط باید از عیسی بخوایم ما رو ببخشه و می‌تونیم پاک بشیم. شکر برای نجات‌دهنده ما عیسی.

حالا به نظرتون برای قوم اسرائیل چه اتفاقی افتاد؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) خب، خدا اعتراف عخان رو پذیرفت و به خاطر همین، کمکشون کرد که نه فقط قوم عای، بلکه قوم‌های بیشتری رو شکست بدن. حالا که گناه برداشته و کارهای نادرست عخان درست شده بود، خدا برگشته بود که برکتشون بده. ما چه خدای عالی و بخشنده‌ای داریم!»













بین (تفکر درباره کاربرد آن)

بگویید: «آیا تا حالا کار نادرستی مثل کار عخان انجام دادینکه سعی کنین اون رو از دیگران پنهان کنین؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) مطمئنم که همه ما این کار رو کردیم، درسته؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) اما آخرش چه اتفاقی می‌افته؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) خب، به این لیوان نوشابه نگاه کنین (لیوان نوشابه مشکی را نشان بدهید).

من چند تا دکمه توی این لیوان نوشابه می‌ندازم (دکمه‌ها را در لیوان نوشابه انداخته و صبر کنید). به نظرتون چی می‌شه؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) چه اتفاقی برای این دکمه‌ها می‌افته؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) بله، اولش ته لیوان افتادن و تونستیم اونا رو ببینیم. اونا پنهان بودن. اما بعد، آروم آروم به بالای لیوان نوشابه اومدن، جایی که ما تونستیم اونا رو ببینیم. پس همون‌طور که می‌بینین، اونا مدت زیادی پنهان نموندن.

گناه هم همین‌طوره. می‌تونیم سعی کنیم گناه‌مون رو پنهان کنیم، اما خدا همیشه می‌دونه چی کار کردیم. نه تنها خدا، بلکه در آخر همه می‌فهمن که ما چی کار کردیم. چون درست مثل این دکمه‌ها، گناه‌مون بالاخره رو میشن و دوروبری‌هامون می‌بیننشون. خب، حالا فکر می‌کنین چی می‌شه که اطرافیانمون اونا رو می‌بینن؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.)

خب، گناه‌های ما دیده می‌شن، چون بالاخره کار نادرست ما روی آدمای دوروبرمون تأثیر می‌ذاره. تا حالا این تجربه رو داشتن؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) بیاین چند تا نمونه رو با هم ببینیم. بعضی از کارای نادرستی که در گذشته انجام دادیم، چیه؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) بله، شاید درباره کسی، حرف بدی گفتیم. وقتی این کار رو می‌کنیم چی می‌شه؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) بله، اونا می‌فهمن ما چی گفتیم و به خاطر همین ناراحت می‌شن. شاید رفتارشون با ما عوض بشه و حتی چیزای بدی درباره ما بگن. پس گناه ما که چیز بدی درباره اونا گفتیم، روی اونا تأثیر می‌ذاره و به خاطر همین نمی‌تونه برای همیشه پنهان بمونه (بر اساس پاسخ‌هایشان این جمله‌ها را تنظیم کنید).

معلومه که کار نادرست، هم خدا، هم خودمون و هم دیگران رو اذیت می‌کنه و نباید اون کارا رو بکنیم،



مگه نه؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) کسی اینجا می‌خواهد کاری رو بکنه که خدا و خودمون و دیگران اذیت بشن؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) من فکر نمی‌کنم کسی اینو بخواد. همه ما می‌خوایم خدا از ما خوشحال و راضی باشه و همه ما می‌خوایم کسانی که دوستشون داریم، خوشحال باشن و از طرف خدا برکت بگیرن.

پس چی کار می‌تونیم بکنیم تا به خدا اجازه بدیم که باز هم ما رو برکت بده، همون طور که قوم اسرائیل رو برکت داد؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) بله می‌تونیم به گناهامون اعتراف کنیم. می‌تونیم از خدا بخوایم که ما رو ببخشه و حتی از کسانی که بهشون آسیب رسوندیم، بخوایم که اونا هم ما رو ببخشن. اگه دوستان و خوادهمون به اندازه‌ای که خدا ما رو دوست داره، دوستمون داشته باشن، اونا هم ما رو مثل خدا می‌بخشن. اما بعدش چی کار کنیم؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) همین طور که به رابطه با خدا ادامه می‌دیم، می‌تونیم انتخاب کنیم که به جای کارای نادرست، کارای درست رو انجام بدیم. چون اون همیشه کنارمونه و بهمون کمک می‌کنه تا کار درست رو انجام بدیم.

خب، حالا بهم بگین به جای کارای نادرستی که الان درباره‌شون صحبت کردیم، چه کارای درستی می‌تونیم انجام بدیم؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) پاسخ‌های احتمالی: می‌تونیم چیزهای خوب درباره دیگران بگوییم، به دیگران کمک کنیم، راستش را بگوییم... بله، درسته. اینا چطوری روی دیگران تأثیر می‌ذارن؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) بله، به شکل خیلی مثبتی روی اونا تأثیر می‌ذارن. این همون چیزیه که ما می‌خوایم، مگه نه؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.)

پس امروز تشویقتون می‌کنم که وقتی باید تصمیم بگیرین که کار درست رو انجام بدین یا کار نادرست رو، حتماً کار درست رو انتخاب کنید. به هر حال، خدا از همه کارای ما خبر داره و هیچی، حتی اینجا روی زمین، برای مدت طولانی پنهان نمی‌مونه. اگه تصمیم بگیریم کار درست رو انجام بدیم و از گناه دوری کنیم، تأثیر مثبتی روی زندگی دیگران می‌ذاریم، چون برکت خدا با اونا و با ما می‌مونه. من تشویقتون می‌کنم که برکت دادن به دیگران رو انتخاب کنین. خدا از این کار شما خوشحال می‌شه. دیگران هم از شما خیلی خوشحال می‌شن!»



دعا برای نیازهای کودکان:

از بچه‌ها بپرسید که چه نگرانی‌هایی دارند و از بچه‌های دیگر بخواهید که برای آنها دعا کنند. نباید هیچ فشار و اجباری وجود داشته باشد. فقط بپرسید که چه کسی داوطلب این کار می‌شود. اگر کسی داوطلب نیست، معلم خودش برای آنها دعا کند. هیچ نیازی کم اهمیت نیست و هیچ کس نباید به خاطر نیازها یا درخواست‌هایش مورد انتقاد یا تمسخر قرار گیرد. وقتی بچه‌ها حرف‌های دلشان را در کلاس مطرح می‌کنند، اطمینان حاصل کنید که در کلاس رفتار محترمانه و توجه وجود داشته باشد. این کلاس باید مکانی امن برای بیان حرف‌های کودکان باشد. همچنین، از بچه‌ها بخواهید موضوعات شکرگزاری و پرستش خود را در میان بگذارند. شاید اتفاقی در هفته رخ داده باشد؛ یا به طریقی متوجه شده‌اند که خدا در زندگی‌هایشان کار می‌کند. فوق‌العاده است که بچه‌ها را تشویق کنید تا از همان سنین کودکی «برکاتی» که در زندگی دارند را ببینند و از خدا تشکر کنند. آن وقت است که آنها می‌توانند به خدا احترامی که لایق آن است را داده و او را با شکرگزاری پرستش کنند.



آیهٔ حفظی:

اکنون زمان خوبی برای یادگرفتن یک آیه است. آنها را تشویق کنید که آن را به خاطر بسپارند. (آیهٔ حفظی، همان آیهٔ کتاب مقدس است که در بالا عنوان شد).

ببر (آن را در عمل به کار ببرید)

کاردستی «چادر برکت»

برای این کار به الگوی پرینت شده چادر بر روی کاغذی محکم یا مقوا، وسایل رنگ آمیزی، چسب، قیچی، کاغذهای دیگری برای چسباندن تکه‌ها روی آنها، و یک پرچم با کلمات «من گناهانم را نزد خدا اعتراف خواهم کرد تا همه برکت بیابند»، نیاز دارید.

بگویید: «امروز می‌خواهیم یه چادر درست کنیم. من اینجا الگوی یه چادر دارم. حالا اول باید در این چادر رو تا کنیم، این طوری (به آنها نشان بدهید که چگونه درها را تا کنند). خب، حالا که این کامل شد، در رو می‌بندیم و بیرون چادرمون رو تزئین می‌کنیم. به نظرتون باید چطوری بیرون چادرمون رو تزئین کنیم؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) خب، وقتی در چادر بسته بود و گنج عخان پنهان بود، چه اتفاقی افتاد؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) بله، همه غمگین بودن، چون برکت خدا دیگه باهاشون نبود. پس بیاین تصویر آدمای غمگین رو بیرون چادرهامون بکشیم، باشه؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.)»

بعد از اینکه تمام شد، بگویید: «آفرین. چه چادرهای قشنگی شدن. حالا وقتشه بریم سراغ داخل چادر. فکر می‌کنین وقتی در چادر باز بود و گنج پیدا شد، چه اتفاقی افتاد؟ (اجازه دهید پاسخ دهند.) بله، مردم خوشحال بودن که دوباره برکت گرفتن. پس بیاین آدمای خوشحال و برکت یافته رو بکشیم. حالا وقتی نقاشی تون تموم شد، می‌تونین چادرتون رو روی این کاغذ بچسبونین و بعد پرچم رو هم بچسبونین که می‌گه: "من گناهانم را نزد خدا اعتراف خواهم کرد تا همه برکت بیابند."»

وقتی کارشان تمام شد، بگویید: «خب، حالا ما چادرهای خودمون رو داریم که می‌تونیم ببریم خونه. وقتی توی خونه بهش نگاه می‌کنیم، یادمون میاد که وقتی گناهانمون رو پنهان می‌کنیم، چه اتفاقی می‌افته و وقتی به گناهانمون اعتراف می‌کنیم، چه اتفاقی می‌افته. این هم به یاد میاریم که گناه نه از دید خدا و نه از دید دیگران پنهان نمی‌مونه، چون گناه عواقبی داره که روی همه تأثیر می‌ذاره. فراموش نکنین که خدا همیشه منتظره که ما رو ببخشه. پس وقتی کار نادرستی می‌کنین، اون رو قایم نکنین. به جاش، اون رو پیش خدا اعتراف کنین تا اون شما رو ببخشه.»



فعالیت‌های اضافه:

- استفاده از مکعب داستان به جای کارت‌های تصویری
- سرودهایی که با آن بتوانید حرکات مخصوص بسازید. مثلاً در جایی دست بزنید، پای بکوبید، با تغییر حالت صورت احساسی را نمایش دهید و... .
- چیزهایی را در اتاق یا محیط خود پنهان کنید و از آنها بخواهید که آنها را پیدا کنند.
- با استفاده از ۲ بشقاب کاغذی و یک چوب بستنی، برای هر بچه یک عروسک نمایشی دو رو بسازید. یک طرف باید چهره شاد و طرف دیگر چهره غمگین باشد. اکنون بعضی از کارهایی را که در زندگی انجام می‌دهیم، نام ببرید و از آنها بخواهید که تصمیم بگیرند آیا این کار خدا را خوشحال می‌کند یا خیر. اگر خدا را خوشحال می‌کند، بچه‌ها باید چهره شاد عروسکشان را نشان بدهند، و اگر خدا را خوشحال نمی‌کند، باید چهره غمگین عروسکشان را نشان بدهند.
- جستجوی کلمات «گناه عخان»

راهنمایی‌هایی برای تنظیم فعالیت‌ها بر اساس سنین پایین‌تر یا بالاتر:

برای زیر ۴ سال:

برای آنها یک چادر درست کنید که داخل آن بازی کنند؛ به آنها چهره‌های شاد و غمگین بدهید تا در کاردستی خود به کار ببرند، چون شاید نتوانند نقاشی کنند، و به آنها کمک کنید که درهای چادر خود را به درستی تا کنند (شاید حتی لازم باشد از قبل این کار را انجام دهید تا احساس بی‌کفایتی نکنند).

برای بالای ۱۱ سال:

به هر یک از آنها یک کتاب مقدس بدهید و از آنها بخواهید که تا حد ممکن دستورات خدا را در آن بیابند (کارهایی که خدا از ما می‌خواهد برای خوشحالی او انجام دهیم) به آنها زمان مشخصی بدهید و وقتی کارشان تمام شد، با هم بحث و گفت‌وگو کرده و به کسی که بیشترین دستورات عمل‌ها را یافته، جایزه بدهید.



ارزیابی درس: خودآزمایی

- ۱- آیا بچه‌ها توانستند بعد از کلاس، این داستان را با کلمات خود تعریف کنند؟
- ۲- آیا بچه‌ها درک کردند که گناه عخان خدا را ناراحت کرد و برکت خدا ادامه نیافت، اما وقتی عخان به گناهانش اعتراف کرد، برکت خدا بازگشت؟
- ۳- آیا وقتی درباره گناه و تأثیراتش بر آنها و دیگران شنیدند، احساس ناراحتی و پشیمانی کردند؟ آیا می‌خواستند سعی کنند که کارهای درست را در آینده انجام دهند؟
- ۴- آیا بچه‌ها توانستند کارهای نادرست و درستشان و نحوه تأثیر آنها بر دیگران را تشخیص دهند؟
- ۵- آیا شاگردان توانستند فعالیت‌ها را بدون کلافگی یا کمبود وقت انجام دهند؟
- ۶- آیا توانستند فعالیت‌ها را بدون دخالت معلم تکمیل کنند؟ (کمک کنید، اما دخالت نکنید.)
- ۷- بچه‌ها تا چه حد به موضوع توجه کردند؟ گیج شده بودند یا به آن علاقه‌مند بودند؟
- ۸- آیا بعد از انجام فعالیت‌ها دلگرم و تشویق شدند؟ (در اینجا لازم است که آنها را تشویق کنید.)



تکلیف در منزل برای کودکان

- از خدا کمک بخواهند تا بتوانند کارهای درست را انجام دهند تا آنها و کسانی که دوستشان می‌دارند، همچنان برکات خدا را در زندگی‌شان دریافت کنند؛ به کارهای نادرستشان اعتراف کنند تا خدا بتواند آنها را ببخشد.
- آیهٔ حفظی را به‌خاطر بسپارند (جایزه می‌تواند آنها را به این کار تشویق کند).



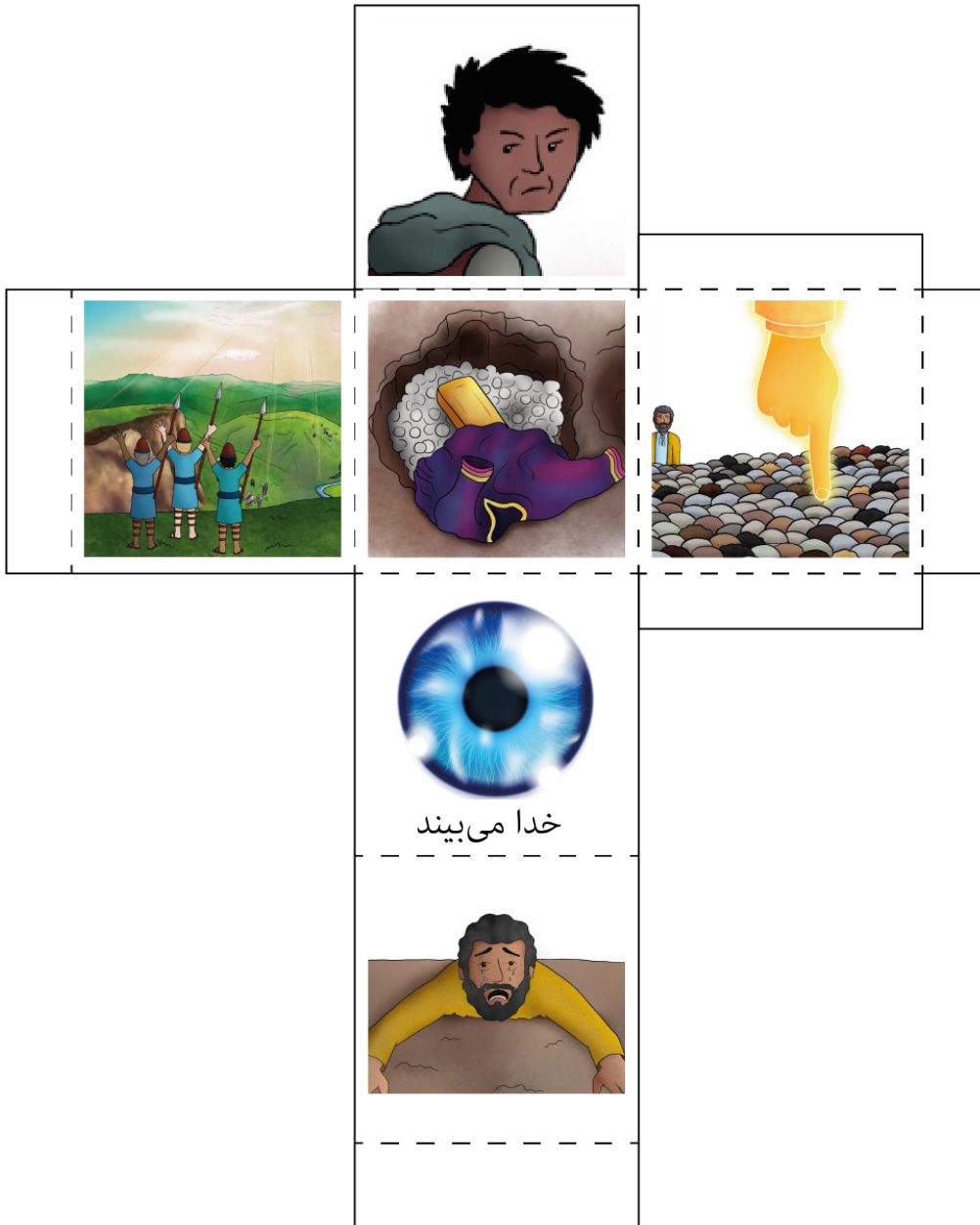
خداحافظی:

سرود خداحافظی

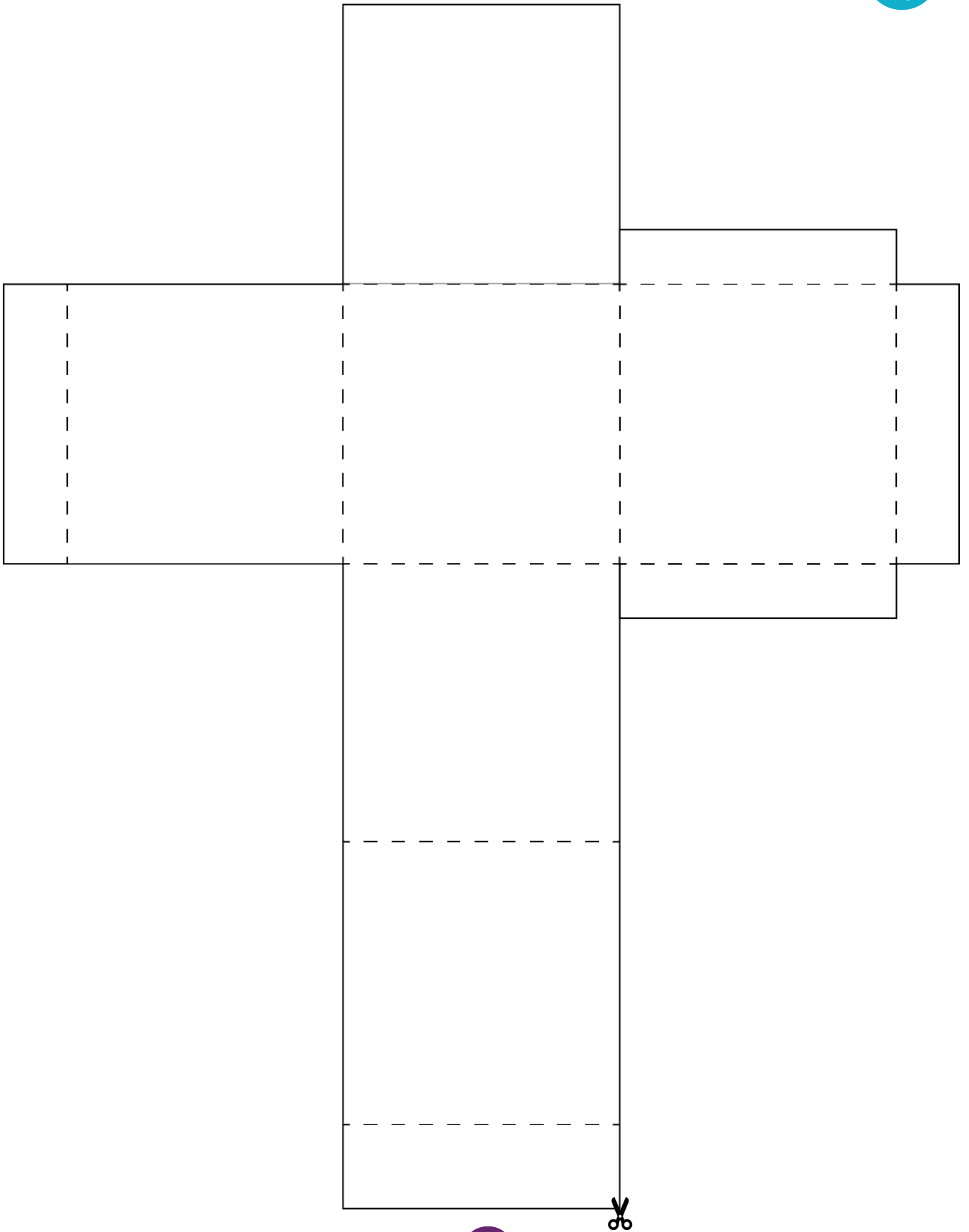


مکعب داستان

برای ساخت مکعب، الگو را بر روی کاغذی کمی ضخیم‌تر پرینت کرده و آن را ببرید. سپس، قسمت‌هایی که نقطه‌چین است را تا کنید. تصاویر را نیز بریده و مانند تصویر کامل‌شده زیر، در هر یک از قسمت‌های مکعب بچسبانید. مکعب را کامل کرده و قسمت‌های مختلف را با چسب به هم بچسبانید.



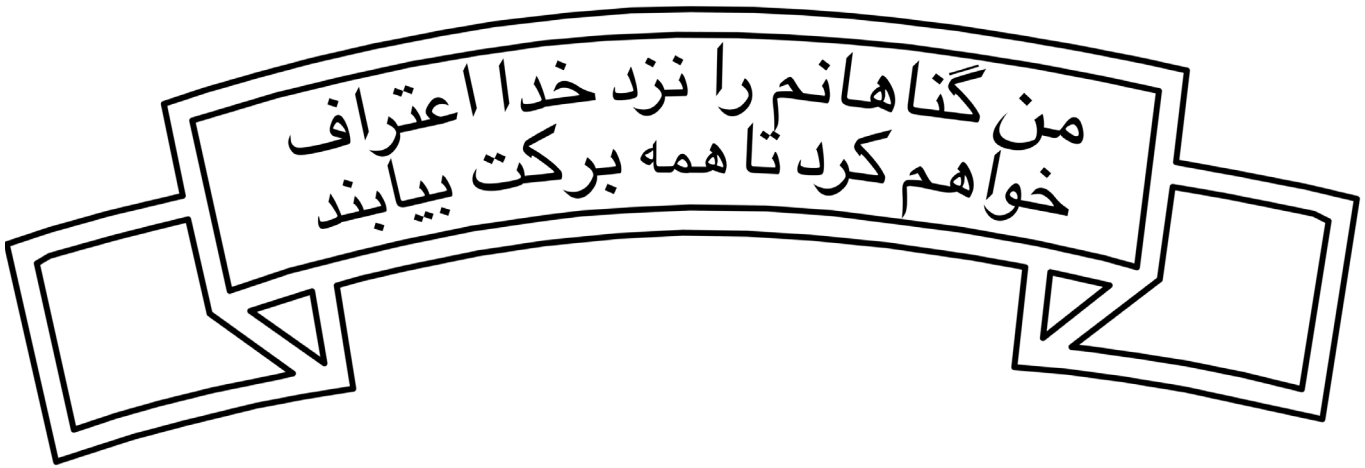
خدا می‌بیند

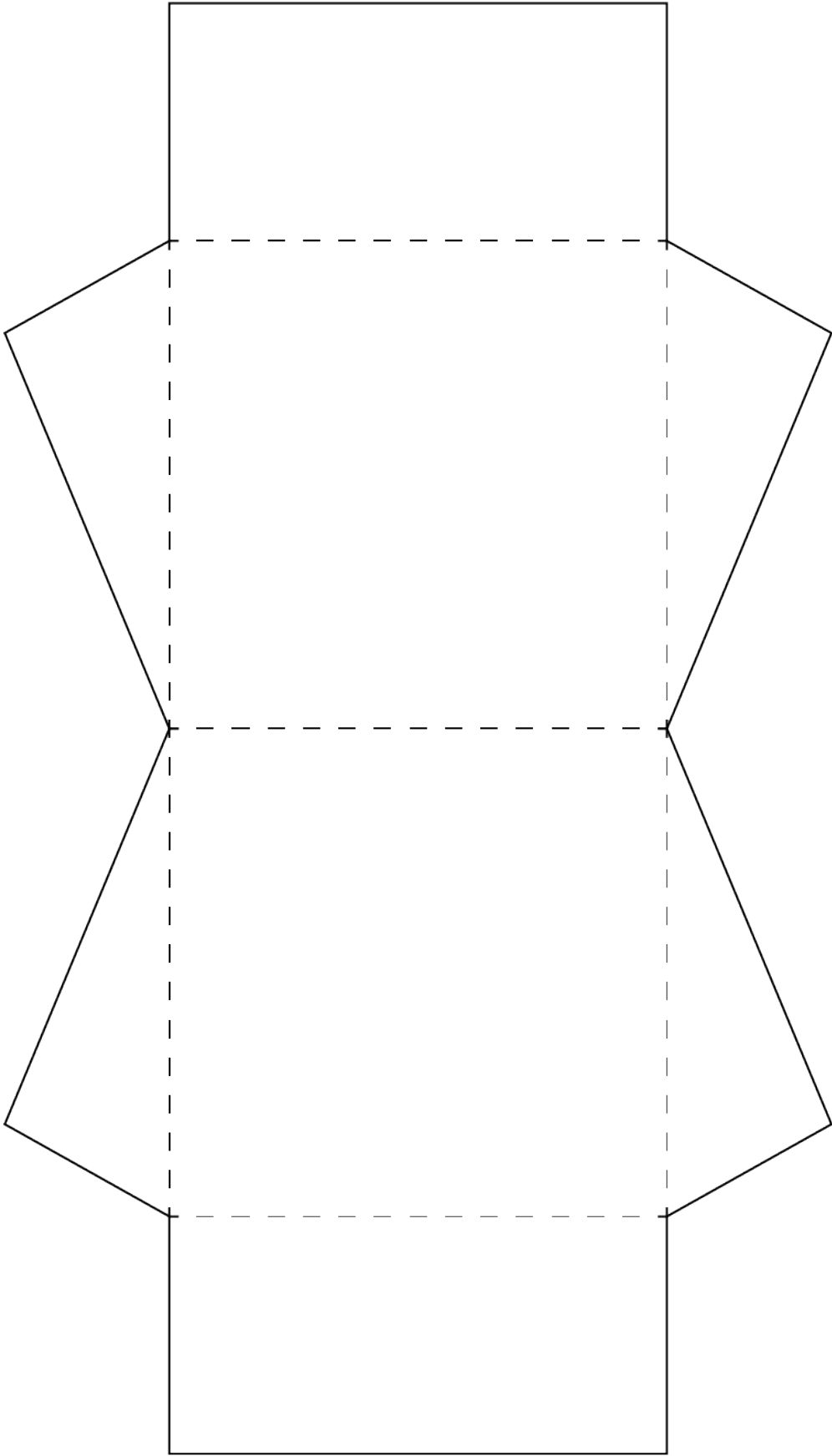






الگوی کاردستی «چادر برکت»



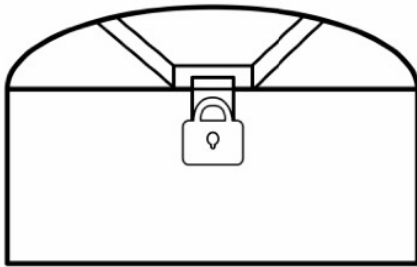






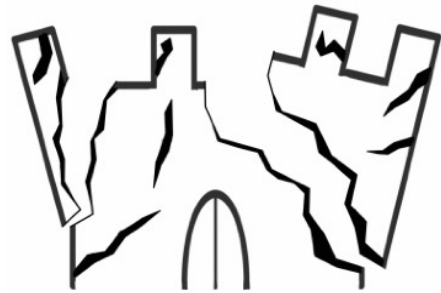
طراحی داستان

یک مستطیل بکشید. به دو نقطه بالای آن یک خط منحنی وصل کنید. اکنون با استفاده از مستطیل و نیم دایره یک قفل به بالای صندوق اضافه کنید.



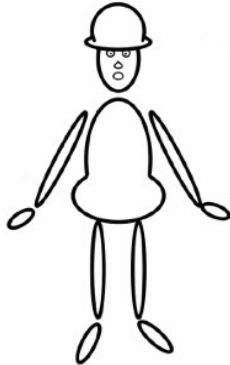
۲

با استفاده از چند مربع و خطوط زیگ زاگ، دیوار یک قلعه را نشان بدهید که شدیداً شکسته و درحال فرو ریختن است.



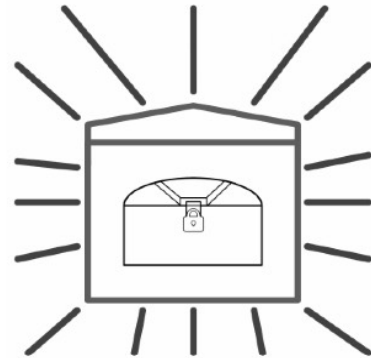
۱

با استفاده از چند نیم دایره و نیم بیضی، بدن و سر عخان را بکشید. با استفاده از چند بیضی، پاها و دستها را اضافه کنید. با استفاده از چند دایره، مثلث و نقطه، چهره او را اضافه کنید.



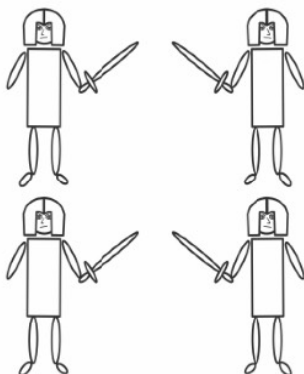
۴

با استفاده از یک مربع و یک مثلث، یک منطقه محصور شده را برای صندوق بکشید. اکنون خطوطی را اضافه کنید تا به معنای جلال خدا باشد که این گنج به او تعلق دارد.



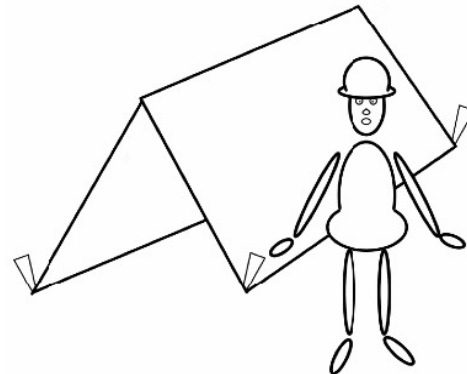
۳

با استفاده از شکلهای مختلف، ۴ سرباز را با کلاهخود، چکمه و شمشیر بکشید.



۶

با استفاده از شکلهای مثلث و مستطیل، یک چادر را در کنار عخان اضافه کنید.



۵

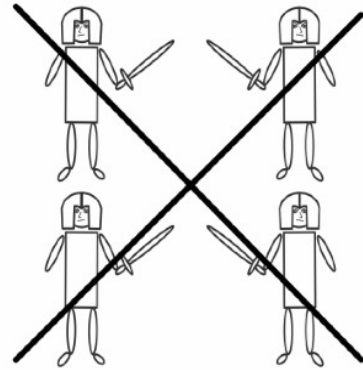


با استفاده از چند C و L، یک یوشع غمگین را بکشید که سبیل دارد. خطوطی را اضافه کنید تا بدن او را در حال دعا نشان دهید. یک حباب گفتگو در کنار دهانش اضافه کنید.



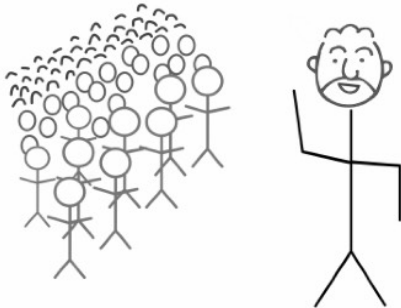
۸

یک X بر روی سربازهایی که کشیده اید، اضافه کنید.



۷

یوشع را در حالت ایستاده و آدمکهای بسیاری را که تقریباً در پشت او هستند، بکشید. (ضرورتی ندارد که بدنهای کامل بکشید).



۱۰

یک چهرهٔ عصبانی بکشید.



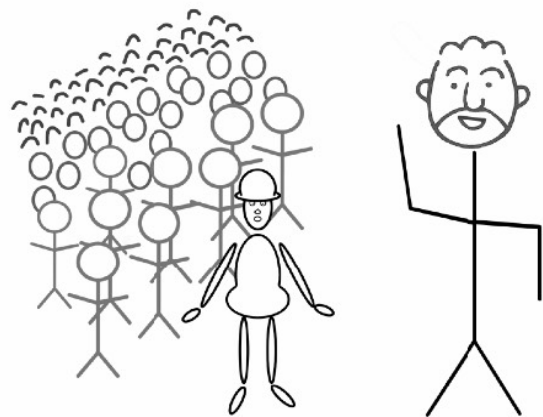
۹

عخان را با چهرهٔ غمگین و اشکهایی که از چشمانش جاری می شود، بکشید.



۱۲

عخان را در مقابل آدمکهای دیگر بکشید.



۱۱

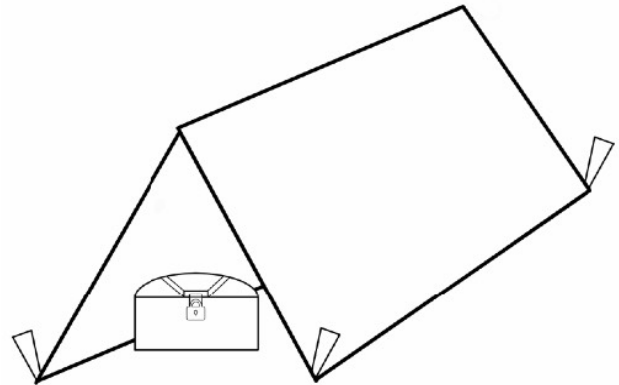


یک چهره شاد بکشید.



۱۴

یک چادر را مانند کادر ۵ بکشید و گنج را در داخل آن بگذارید.



۱۳

چهره های شاد بیشتری را به کادر ۱۴ اضافه کنید.



۱۵



گناه عَغان

یوشع ۶ - ۷ و خروج ۲۰
سعی کنید همه ۲۰ کلمه را در این صفحه پیدا کنید.

م	و	س	ک	م	ه	س	خ	ر	ز
ش	ف	ق	ل	ر	ی	ش	ا	و	ا
ک	ر	ع	ف	و	ک	خ	ق	ه	ا
ل	و	ا	ش	ا	ت	ف	ش	ی	ه
ن	ا	ش	پ	خ	د	ا	و	ن	د
ا	ر	ب	د	غ	س	ک	گ	و	س
ب	ی	د	ر	و	ع	ی	ن	ن	ر
س	ح	ه	ی	ن	س	ل	گ	م	ع
ب	ا	ق	ر	ع	ن	ه	ر	ی	خ
ی	ط	ر	ئ	ا	ا	ی	خ	م	ا
ع	و	و	ا	ی	ع	ن	ع	ع	ن
گ	ط	ش	ز	ی	م	خ	ف	ی	خ
د	ش	ل	ع	ذ	و	ف	ت	ا	د
ر	ا	ف	ا	ن	ق	ر	ه	د	ب
ط	ه	ی	ئ	ن	غ	س	خ	ر	و
م	د	ت	ک	خ	ش	م	پ	و	ر
ع	د	ز	د	ی	د	ن	غ	ه	ه
خ	ا	س	ر	ا	ئ	ی	ل	ا	ل

ملعون
عغان
عای
خشم
وقف
طمع
دروغین
طلا
مخفی
اسرائیل
اریحا
یوشع
دروغ
خداوند
نقره
دزدین
سنگها
سی و شش
مشکل
شاهد



کلید پاسخها

گناه عَغان

یوشع 6 - 7 و خروج 20
سعی کنید همه 20 کلمه را در این صفحه پیدا کنید.

م	و	س	ک	م	ه	س	خ	ر	ز
ش	ف	ق	ل	ر	ی	ش	ا	و	ا
ک	ر	ع	ف	و	ک	خ	ق	ه	ا
ل	و	ا	ش	ا	ت	ف	ش	ی	ه
ن	ا	ش	پ	خ	د	ا	و	ن	د
ا	ر	ب	د	ع	س	ک	گ	و	س
ب	ی	د	ر	و	غ	ی	ن	ن	ر
س	ح	ه	ی	ن	س	ن	گ	م	ع
ب	ا	ق	ر	ع	ن	ه	ر	ی	خ
ی	ط	ر	ئ	ا	ا	ی	خ	م	ا
ع	و	و	ا	ی	ع	ن	خ	ع	ن
گ	ط	ش	ز	ی	م	ن	ف	ی	خ
د	ش	ل	ع	ذ	و	ق	ت	ا	د
ر	ا	ف	ا	ن	ق	ر	ه	د	ب
ط	ه	ی	ئ	ن	ع	س	ن	ر	و
م	د	ت	ک	خ	ش	م	پ	و	ر
ع	د	ز	د	ی	د	ن	ن	ع	ه
خ	ا	س	ر	ا	ئ	ی	ل	ا	ن

- ملعون
- عغان
- عای
- خشم
- وقف
- طمع
- دروغین
- طلا
- مخفی
- اسرائیل
- اریحا
- یوشع
- دروغ
- خداوند
- نقره
- دزدین
- سنگها
- سی و شش
- مشکل
- شاهد



منابع

راهنمای طراحی داستان با کمک

Kids Time Curriculum God's Big Picture Leaders Guide, Copyright 1999 by Gospel Light, Ventura CA, USA, 93006 (نباید برای تبلیغات بازرگانی، آگهی یا فروش یک محصول یا خدمات به کار رود).

برگه‌های تصاویر برگرفته از:

<https://biblestoriesonline.com/>

با استناد بر www.freebibleimages.org، مجاز به استفاده برای خدمت می‌باشد.

چهره‌های شاد و غمگین برگرفته از:

<http://clipart-library.com/search2/?q=sad#gsc.tab=1&gsc.q=sad&gsc.page=7>

جستجوی کلمات «گناه عخان» برگرفته از:

http://www.wordsearchfun.com/print/39340_Achans_Sin.html

الگوی چادر برگرفته از:

<https://www.123playandlearn.com/>

